

صلوات

معراج مؤمن

معراج عشق

مهدی مندری

سرشناسه:

سمندری، مهدی، ۱۳۰۷

عنوان و نام پدید آورنده:

صلات، معراج مؤمن، معراج عشق / تألیف مهدی سمندری
تهران. انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مخترعین و متفکرین

مشخصات نشر:

آریا، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری:

۶۲۲ ص؛ ۱۷×۲۳ س م

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۷۹-۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت:

واژه نامه

یادداشت:

کتابنامه

یادداشت:

نمای

موضوع:

نماز

رده بندی کنگره:

۱۳۹۱ ص ۸، ۷۸۲ س / BP ۱۸۶

رده بندی دیویی:

۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی:

۲۸۶۵۸۶۵

تاریخ و نوبت چاپ: پائیز ۱۳۹۱، اول

• تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه • بهاء: ۱۶۵۰۰۰ ریال

تایپ، صفحه آرایی، تخریج منابع و ویراستار: ناهید سمندری

طراح جلد: استاد مسعود نجابتی

نمونه خوانی: مسعود شریفی، مهدی ابوالقاسمی، وحید اصغری

چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم، قم

www.mahdi-samandary.ir / abadani14@yahoo.fr

پیام کوتاه: ۰۹۱۰۹۸۰۱۰۹۲

با سپاس از: آذر مه سنجری، ناصر آذرشب و قائم صالح نیا که در

بهرت شدن تایپ، صفحه آرایی و چاپ ما را یاری کردند



تمامی حقوق چاپ و نشر

این اثر در انحصار مؤلف و

در راستاست

فهرست مطالب

۵-۱۸	فهرست مطالب
۱۹-۳۰	مقدمه
۱۹	مقدمه استاد علامه حسن زاده آملی
۲۱	مقدمه نویسنده
۳۱-۳۲	نحوه مطالعه کتاب
۳۳-۵۴	فصل ۱: نماز رحمتی پیوسته در همه ارکان وجود
۳۵	معانی صلوٰه
۳۶	اقسام صلوٰه
۳۶	۱- صلوٰه حضرت حق الله
۳۹	۲- صلوٰه ملائکه
۴۰	۳- صلوٰه انسان
۴۱	۴- صلوٰه همه ماسوی
۴۲	شرح ها
۵۳	متن های عربی
۵۵-۶۴	فصل ۲: ملکات، مظاهر، تجلیات
۵۷	ملکات
۵۹	مظهر
۶۰	مجلا
۶۲	مظاهر و مجالی و تفاوت آنها
۶۳	شرح ها
۶۵-۱۰۴	فصل ۳: پیکره و روح نماز
۶۷	نماز برای همه امت ها
۶۸	چرا نماز؟

۶ صلات، معراج مؤمن، معراج عشق

۶۹	پیکره نماز
۷۱	روشنی چشم حضرت رسول ﷺ
۷۲	نساء
۷۴	پیکره نماز حضرت رسول ﷺ
۷۵	پیکره نماز حضرت علی علیه السلام
۷۶	روح و باطن نماز
۷۹	عروج الی الله
۸۰	شرح ها
۱۰۳	متن های عربی
۱۰۵-۱۴۲	فصل ۴: نماز ذکر الله
۱۰۷	حقیقت ذکر
۱۰۸	حقیقت ذکر از نظر محیی الدین عربی شیخ اکبر
۱۰۸	حقیقت ذکر از نظر ملاسلطان علی گنابادی
۱۰۹	ذکر و آثار آن
۱۱۱	فضیلت ذکر یا ریاض الجنه
۱۱۳	مجالس ذکر کجاست؟
۱۱۴	بیوت از نظر ملاسلطان علی گنابادی
۱۱۵	بیوت تجلی گاه نور از نظر محیی الدین عربی شیخ اکبر
۱۱۷	معبودا
۱۱۸	احادیث ذکر
۱۱۹	نماز ذکر حضرت حق الله
۱۲۱	شرح ها
۱۴۱	متن های عربی
۱۴۳-۱۶۸	فصل ۵: نماز و نمازگزار
۱۴۵	اقسام نماز
۱۴۶	مراتب هفت گانه ذکر و نماز
۱۴۶	۱- ذکر یا صلات بدنی (طبع)

فهرست مطالب ۷

۱۴۶	۲- ذکر یا صلوات نفس
۱۴۷	۳- ذکر یا صلوات قلب
۱۵۰	۴- ذکر یا صلوات سر
۱۵۱	۵- ذکر یا صلوات روح
۱۵۱	۶- ذکر یا صلوات خفی
۱۵۲	۷- صلوات حقانی یا ذکر ذات احدی (مقام فنای عبد و بقای بالله یا ذکر اخفی)
۱۵۳	اقسام آدمیان، انسان و عوالم آنها
۱۵۴	۱- عالم حس و آدم حسی
۱۵۴	۲- عالم مثال و آدم مثالی
۱۵۴	۳- عالم عقل و آدم عقلی
۱۵۵	۴- عالم اله و انسان الهی
۱۵۶	درجات نمازگزاران
۱۵۷	اقسام نمازگزاران
۱۵۸	شرح‌ها
۱۶۵	متن‌های عربی
۱۶۹-۲۰۸	فصل ۶: قلب و موانع حضور قلب
۱۷۱	قلب سلیم
۱۷۱	توجه قلب به حضرت حق
۱۷۲	قلب‌های پاک مجلای تجلیات حضرت حق
۱۷۵	استعداد آفرینی فیض اقدس حق
۱۷۶	قلب از نظر علامه قیصری
۱۷۷	قلب از نظر قاضی سعید قمی
۱۷۸	قلب از نظر صدر المتألهین
۱۷۹	قلب از نظر ملا محمد مهدی نراقی
۱۷۹	قلب از نظر فیض کاشانی
۱۸۰	حضور قلب در صلوة از نظر قرآن
۱۸۱	حضور قلب در صلوة از نظر احادیث
۱۸۵	تَغْيِيرِ ناپذیر بودن سنن و قوانین الهی

۸ صلات، معراج مؤمن، معراج عشق

۱۸۶	منع دزدی شیطان
۱۸۷	اطمینان
۱۸۹	موانع حضور قلب
۱۹۰	مداخل شیطان
۱۹۳	منجیات
۱۹۳	مهلکات
۱۹۳	شرح‌ها
۲۰۵	متن‌های عربی
۲۰۹ - ۲۲۶	فصل ۷: لباس ظاهر و باطن نمازگزار
۲۱۱	پوشش
۲۱۱	پوشش ظاهری و باطنی
۲۱۱	لباس ظاهر و باطن
۲۱۲	لباس ظاهر نمازگزار
۲۱۳	لباس باطن نمازگزار
۲۱۶	ثیاب (لباس)
۲۱۷	نظر علامه محمد حسین طباطبائی در معنای ثیاب
۲۱۸	نظر فضل بن حسن طبرسی در معنای ثیاب
۲۱۸	نظر عبدالله ابن عمر بیضاوی در معنای ثیاب
۲۱۸	نظر حسین ابن محمد راغب اصفهانی در معنای ثیاب
۲۱۹	نظر ملا سلطان محمد گنابادی در معنای ثیاب
۲۱۹	زینت
۲۲۰	زینت واقعی (لباس تقوا)
۲۲۱	زینت از نظر خواجه عبدالله انصاری
۲۲۲	زینت ظاهر و باطن نمازگزار از نظر شیخ اکبر
۲۲۳	شرح‌ها
۲۲۴	متن‌های عربی
۲۲۷ - ۲۴۰	فصل ۸: طهارت
۲۲۹	اقسام طهارت

۲۳۰	طهارت ظاهر
۲۳۰	طهارت باطن
۲۳۱	مستحبات وضو
۲۳۱	مسواک کردن
۲۳۲	مضمضه
۲۳۳	استنشاق
۲۳۳	وضو و اسرار آن
۲۳۵	واجبات وضو
۲۳۶	شستن صورت
۲۳۶	شستن دست‌ها
۲۳۷	شستن دست راست
۲۳۷	شستن دست چپ
۲۳۷	مسح سر
۲۳۸	مسح پای راست و چپ
۲۳۸	شرح‌ها
۲۴۱-۲۵۰	فصل ۹: مکان مصلی
۲۴۳	جایگاه‌های ذکر
۲۴۴	مکان نماز
۲۴۷	مسجد ضیافت‌گاه الله و نماز مائده پروردگار
۲۴۸	شرح‌ها
۲۵۱-۲۸۴	فصل ۱۰: اذان و اقامه
۲۵۳	وقت اذان
۲۵۶	استحباب خواندن اذان و اقامه
۲۵۷	ندای اذان
۲۵۷	اقسام اذان
۲۶۰	اعمال بین اذان و اقامه از دیدگاه روایات
۲۶۱	جملات اذان و اقامه
۲۶۱	معنای جملات اذان و اقامه

۱۰. صلوات، معراج مؤمن، معراج عشق

- ۲۶۱ -۱ «الله اکبر»
- ۲۶۴ -۲ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
- ۲۶۶ -۳ «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»
- ۲۶۶ -۴ «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ»
- ۲۶۸ -۵ «أَشْهَدُ أَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ عَصَمَةُ اللَّهِ الْكُبْرَى وَالْحُجَّةُ عَلَى الْحُجَجِ»
- ۲۶۸ نظر استاد حسن زاده آملی در مورد مسئله عصمت و فاطمه زهرا (علیها السلام)
- ۲۷۰ -۶ «حی علی الصلاة»
- ۲۷۲ -۷ «حی علی الفلاح»
- ۲۷۳ -۸ «حی علی خیر العمل»
- ۲۷۳ -۹ «الله اکبر»
- ۲۷۴ -۱۰ «لا اله الا الله»
- ۲۷۵ -۱۱ «قد قامت الصلاة»
- ۲۷۹ شرح ها
- ۲۸۳ متن های عربی
- ۲۸۵-۳۰۴ فصل ۱۱: قبله، سرگذشت بیت الله و امکان اقامه نماز
- ۲۸۷ قبله
- ۲۸۸ رو به قبله
- ۲۸۹ سرگذشت بیت الله
- ۲۹۰ رفتن خانه کعبه به آسمان چهارم در زمان حضرت نوح (علیه السلام)
- ۲۹۱ بازگشت خانه از آسمان چهارم در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام)
- ۲۹۱ سکونت هاجر و اسماعیل (علیه السلام) در بیت الله
- ۲۹۳ واردات قلبی
- ۲۹۳ ساخت بیت الله به دست حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیه السلام)
- ۲۹۴ تطهیر بیت الله توسط ابراهیم (علیه السلام)
- ۲۹۵ شهود توحیدی حضرت ابراهیم (علیه السلام)
- ۲۹۵ مهیا شدن بیت الحرام قلب برای زیارت
- ۲۹۶ منافع علمی و عملی کعبه قلب
- ۲۹۶ طهارت ظاهر و باطن حج

فهرست مطالب ۱۱

۲۹۷	طواف بیت عتیق
۲۹۸	الفت بین قلب‌ها پیوندی خدایی
۲۹۹	خلاصه منافع معنوی حج
۲۹۹	شرح‌ها
۳۰۳	متن‌های عربی
۳۰۵-۳۱۸	فصل ۱۲: تعلیم نماز
۳۰۷	تعلیم نماز به حضرت خاتم علیه السلام
۳۰۸	آموزش نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله در قرب معراجی (حدیث قدسی)
۳۱۱	مناجات‌های اهل بیت عصمت علیهم السلام
۳۱۲	نماز با تلاوت قرآن
۳۱۳	واردات قلبی
۳۱۴	شرح‌ها
۳۱۶	متن‌های عربی
۳۱۹-۳۳۰	فصل ۱۳: نماز جماعت و امام جماعت
۳۲۱	بوستان بهشت و باغبان بهشت
۳۲۲	ویژگی‌های امام جماعت
۳۲۳	نظر محیی الدین عربی شیخ اکبر درباره «اصحاب الامر»
۳۲۴	شرایط امام جماعت
۳۲۵	شرط عدالت امام جماعت
۳۲۶	احادیث درباره لیاقت امام جماعت
۳۲۷	احادیث درباره نماز جماعت کوتاه و تمام
۳۲۸	شرح‌ها
۳۲۹	متن‌های عربی
۳۳۱-۳۴۲	فصل ۱۴: واجبات و ارکان نماز
۳۳۳	واجبات و ارکان نماز
۳۳۳	وقف‌ها و سکون‌ها
۳۳۴	جهر و اخفات (آشکار و پنهانی)

۱۲. صلوات، معراج مؤمن، معراج عشق

۳۳۶	مراتب عبودیت
۳۳۶	۱- حضور قلب
۳۳۷	۲- تفهم
۳۳۸	۳- تعظیم
۳۳۸	۴- هیبت
۳۳۹	۵- رجاء (امید)
۳۳۹	۶- حیاء (شرم)
۳۴۰	نماز ترکیبی از جسم و روح
۳۴۱	شرح ها
۳۴۱	متن های عربی
۳۴۳-۳۶۴	فصل ۱۵: اولین، دومین و سومین واجب نماز، نیت، قیام و تکبیرة الاحرام
۳۴۵	دعای قبل از افتتاح در هر نماز
۳۴۶	دعای امیرالمؤمنین قبل از «تکبیرة الاحرام»
۳۴۷	اولین واجب نماز (اولین رکن): نیت یا قصد قربت
۳۴۸	دومین واجب نماز (دومین رکن): قیام
۳۵۰	سومین واجب نماز (سومین رکن): «تکبیرة الاحرام»
۳۵۲	توجه به حضرت حق الله
۳۵۴	معانی «تکبیرة الاحرام»
۳۵۸	طریقه گفتن «تکبیرة الاحرام» و فلسفه آن
۳۵۸	شرح ها
۳۶۳	متن های عربی
۳۶۵-۳۹۰	فصل ۱۶: چهارمین واجب نماز، قرائت (سورة فاتحه الکتاب)
۳۶۷	قرائت چهارمین واجب نماز
۳۶۷	استعاذه
۳۶۹	سه استعاذه عبد به رب خود
۳۶۹	۱- پناه بردن به حضرت حق از آنچه زیانبار است
۳۷۰	۲- پناه بردن به حضرت حق از خشمش

۳۷۰	۳- پناه بردن به حضرت حق از کیفرش
۳۷۳	نام‌های سوره حمد و معانی آن
۳۷۵	قول حکیم ملا هادی سبزواری درباره حمد
۳۷۶	معنای سخن حکیم ملا هادی سبزواری درباره حمد
۳۷۸	حمد عارف
۳۸۰	اقسام حمد عبد: قولی، فعلی و حالی
۳۸۲	اقسام حمد الله: قولی، فعلی و حالی
۳۸۳	سوره فاتحه کلام الله، به نیابت از بنده
۳۸۴	تقسیم «فاتحه الكتاب» بین الله و بنده اش در روایت
۳۸۷	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آیه ای از سوره فاتحه
۳۸۹	شرح‌ها
۳۹۰	متن عربی
۳۹۱-۴۶۴	فصل ۱۷: تفسیر سوره فاتحه
۳۹۳	تفسیر سوره فاتحه الكتاب
۳۹۳	اولین آیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سبب ایجاد عالم
۳۹۳	بِسْمِ
۳۹۴	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۳۹۶	اسماء الله
۳۹۸	الله اسم جامع
۳۹۹	مظهر جامع
۴۰۰	معنی مظهر جامع
۴۰۱	«الرَّحْمَنِ وَالرَّحِيمِ»
۴۰۲	دو مین آیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۴۰۴	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، توحید محض
۴۰۵	حکایت توحیدی در «رَبُّ الْعَالَمِينَ»
۴۰۵	تسبیح حضرت حق
۴۰۷	امکان شنیدن تسبیح اشیاء
۴۰۸	تسبیح از نظر علامه محمد حسین طباطبائی

- ۴۱۱ احادیث نسیح
- ۴۱۳ ستون حنانه از زبان مولانا
- ۴۱۴ سومین آیه: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- ۴۱۴ «الرَّحْمَنِ»
- ۴۱۵ «الرَّحِيمِ»
- ۴۱۶ فرمایش حکیم ملاهادی سبزواری درباره «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- ۴۱۸ حکایت توحیدی
- ۴۱۹ واردات قلبی درباره «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- ۴۲۱ چهارمین آیه: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
- ۴۲۳ الله مَالِكِ حَقِيقِ «يَوْمِ الدِّينِ»
- ۴۲۵ اجازه تکرار «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» در نماز و گریه
- ۴۲۶ پنجمین آیه: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
- ۴۲۸ توجه مصلی به حضرت حق در هنگام گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۴۳۰ شهود قلبی ام درباره «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۴۳۲ همه بنده یک معبود
- ۴۳۴ حکایت نوجوان در قرائت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۴۳۵ مُخْلِص و مُخْلِص در قرآن
- ۴۳۵ إخلاص
- ۴۳۷ مُخْلِص
- ۴۳۷ مُخْلِص
- ۴۳۸ مُخْلِصون
- ۴۴۰ مُخْلِصون
- ۴۴۰ إخلاص یا توحید در افعال
- ۴۴۲ نقش اعمال عبادی در إخلاص
- ۴۴۳ ششمین آیه: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
- ۴۴۳ صراط در لغت یعنی چه؟
- ۴۴۳ صراط در اصطلاح قرآن یعنی چه؟
- ۴۴۵ صراط از دید عارف

۴۴۶	احادیث درباره آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
۴۴۹	هفتمین آیه: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»
۴۴۹	صراط مستقیم چیست و کیست؟
۴۵۰	همه سر در خط فرمان حضرت حق
۴۵۰	دسته بندی انسان‌ها در مسیر صراط
۴۵۱	خلاصه کلام
۴۵۲	شرح‌ها
۴۵۹	متن‌های عربی
۴۶۵-۴۷۸	فصل ۱۸: سورة توحيد و تسبیحات اربعه
۴۶۷	نام‌های سورة توحيد سورة و معانی آن
۴۶۷	آیات سورة توحيد و معنی آن
۴۶۷	اولین آیه: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»
۴۶۹	فرق آخذ و واجد
۴۶۹	دومین آیه: «اللَّهُ الصَّمَدُ»
۴۷۰	احادیث درباره «اللَّهُ الصَّمَدُ»
۴۷۳	سومین آیه: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»
۴۷۳	چهارمین آیه: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»
۴۷۳	احادیث درباره سورة توحيد
۴۷۵	درجات توحيد
۴۷۶	تسبیحات اربعه
۴۷۶	معنای تسبیحات
۴۷۶	تسبیحات اربعه ارکان عرش
۴۷۷	شرح‌ها
۴۷۸	متن عربی
۴۷۹-۴۹۰	فصل ۱۹: قنوت
۴۸۱	قنوت
۴۸۲	احادیث درباره قنوت
۴۸۳	ثنای حق برتر از دعا برای خویش

۱۶ صلات، معراج مؤمن، معراج عشق

آیات و دعاهاى توصیه شده در قنوت

شرح ها

فصل ۲۰: پنجمین واجب نماز، چهارمین رکن (رکوع)

رکوع ادب خضوع

ذکر رکوع و معنی آن

قیام از رکوع شهود حق و ادب حضور

«سَمِعَ اللَّهُ لَكُمْ حَمْدَهُ»

شرح ها

متن های عربی

فصل ۲۱: ششمین واجب نماز، پنجمین رکن (سجده)

زمین سجده گاه مصلی

سجده و ژرفای آن

توجه به جایگاه سجده

ذکر سجده

معنای سجده اول و دوم

مقامات عبد در سجده

۱- سجده ادب بندگی

۲- سجده قله معراج

۳- سجده و شهود «هُوَ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»

۴- سجده و دیدار

۵- سجود و فنای بنده

۶- سجده وصال

مراتب عمقی انسان

۱- مرتبه نفس

۲- مرتبه عقل

۳- مرتبه قلب

۴- مرتبه روح

۵- مرتبه سیر

۵۲۶	۶- مرتبه خفی
۵۲۶	۷- مرتبه اخفی
۵۲۷	صلوات معراجی رکوع و سجود و تفاوت آنها
۵۲۹	خضوع
۵۳۰	خشوع
۵۳۲	دوام قیام و خشوع
۵۳۳	قیام از سجده
۵۳۵	اسفار اربعه (سیر و ستر عارف)
۵۳۷	دعاهای سجده آخر
۵۴۰	مرگ اختیاری
۵۴۱	شرح دعای «هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ السَّفَرَةِ»
۵۴۴	داستان حضرت یونس علیه السلام از زبان علامه طباطبائی
۵۴۵	ذکر یونسی
۵۴۶	شرح‌ها
۵۵۳	متن‌های عربی
۵۵۷-۵۷۶	فصل ۲۲: هفتمین و هشتمین واجب نماز: تشهد و سلام و بقیه واجبات
۵۵۹	تشهد هفتمین واجب نماز
۵۵۹	معنی تشهد
۵۶۱	«آل نبی» چه کسانی هستند؟
۵۶۱	سلام هشتمین واجب نماز از زبان امام صادق علیه السلام
۵۶۳	«السلام»
۵۶۳	سلام‌های نماز
۵۶۴	سلام از نظر ملامحسن فیض کاشانی
۵۶۶	وسعت سلام از نظر استاد علامه حسن‌زاده آملی
۵۶۸	سلام‌های نماز
۵۶۸	سلام اول: «السلام عَلَیْکَ أَیْهَا النَّبِی وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»
۵۶۹	سلام دوم: «السلام عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ»
۵۷۱	سلام آخر: «السلام عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»

۱۸ صلات، معراج مؤمن، معراج عشق

۵۷۱	بقیه واجبات نماز
۵۷۱	ذکر، نهمین واجب نماز
۵۷۱	ترتیب، دهمین واجب نماز
۵۷۱	موالات، یازدهمین واجب نماز
۵۷۲	شرح‌ها
۵۷۲	متن‌های عربی
۵۷۷-۵۸۹	فصل ۲۳: تعقیبات نماز و نماز شب
۵۷۹	توصیه امیرالمؤمنین درباره تعقیبات نماز
۵۸۰	تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
۵۸۱	«الْصَّلَاةُ بِعَيْنِ اللَّهِ» (چشم در چشم حق و مردود در نماز)
۵۸۳	نتیجه پنج آیه ذکر شده
۵۸۵	احادیث در مورد فضیلت نماز شب
۵۸۷	بلند خواندن نماز شب
۵۸۸	شرح‌ها
۵۸۹	متن‌های عربی
۵۹۰	حُسن ختام
۵۹۱	سرگذشت کتاب
۵۹۳	سخنی با همراه
۵۹۳	یکبار دیگر یک جهان دیگر
۵۹۵-۶۱۰	نمایه‌ها
۶۱۱-۶۲۲	فهرست منابع

مقدمه استاد علامه حسن زاده آملی^۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

«أَتْلُو مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»^۲. نماز عبادت جمعی دارد، که عبادات تکوینی همه موجودات از جمادات و نبات و حیوان و غیرها را دارا است و جامع عبادت قلبی و عقلی که تشریعی است نیز هست. علاوه اینکه از جهت دیگر، عبادت جامعه است زیرا که خاصیت زکوة و حج و جهاد و صوم^۳ و غیرها را دارد؛ اما زکوة: چون میحک^۴ محبت است و گذاشتن از ملک خویش در راه دوست و فناء خویش در نماز ظاهر می شود، در وقتی که در «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» تصدیق قلبی کنی. اما صوم به جهت این که مفطرات^۵ روزه در نماز حرام است، علاوه صُمت از کلام مخلوقین لازم است. اما حج برای این که توجه ظاهری به کعبه ظاهری می کنی، از دور توجه می کنی اما در عوض توجه به کعبه حقیقی می نمایی که عبارت از دل است که در عالم بدن انسانی به منزله کعبه است و به منزله بیت المعمور است در آسمان چهارم و به منزله عرش است. اما جهاد زیرا که جهاد با نفس اماره

^۱ اثر اول یعنی کتاب اسرار الصلوة یا معراج عشق اولین بار در سال ۱۳۸۰ چاپ و منتشر شد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده است. کتاب حاضر ویرایشی کاملاً متفاوت، بسیار مفصل و با تجدید نظر کلی از اثر اول است که با عنوان: صلوات، معراج مؤمن، معراج عشق توسط انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مخترعین و متفکرین آریا به چاپ رسیده است. مقدمه جناب استاد علامه حسن زاده آملی بر کتاب اول یعنی (اسرار الصلوة یا معراج عشق) است.

^۲ سوره عنکبوت (۲۹)، آیه (۴۵).

^۳ روزه.

^۴ آزمودن و امتحان کردن.

^۵ جمع مفطر. آنچه روزه را باطل می کند.

^۶ سکوت و خاموشی.

است که جهاد اکبر است، و قِسْ مَالَهُ يَقُلْ^۱.

همانگونه که خلقت جمیع کلمات کتاب هستی بر اساس عِلّت و حکمت است که عالم یعنی علم انباشته رویهم، زیرا که صنعِ حکیم علی الإطلاقی است و حکیم، قول و فعلش همه حکمت و حکیم است: «يُس وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ». همچنین همه احکام شرع بر اساس حکمت و مصلحت اند و تشریع از متن تکریم برخاسته است. و همانگونه که هریک از صنایع آدمی را برنامه و دستور خاصی است که اگر به قدر یک میکرون از آن سرپیچی کنند دچار سقوط و تباهی و نابودی می شوند، انسان نیز در مسیر تکاملی خود این چنین است.

کتاب شریف بسیار کرانقدر و ارزشمند «اسرار الصلوة»، از قلم توانا و رصین و متین عالم مرتبی نفوس مستعده، استاد حائز به محققین^۲ علم و عمل، حجة الاسلام والمسلمین حضرت مستطاب جناب حاج آقا شیخ مهدی سمندری نجف آبادی، آیدۀ الله سبحانه بالقاءاته السبوحية در موضوع خود حائز اهمیتی خاص است که با سبکی شیوا و روان و وزین، و اسلوبی رسا و شیرین و دلنشین به منصفه^۳ ظهور رسیده است. و در حقیقت مآدیه ای مشحون از مائده های آسمانی است که نفوس شیفته و شقیقه به کمال از آن مغتذی^۴ و بهره مندند. و این شئت قالت: شجرة طيبة طوبائی است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۳۳) تُوْقِي أَكْلَهَا كُلَّ حَبِيبٍ يَأْذَنُ رَبُّهَا (۳۵)» خدای سبحان وعده فرموده است: «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا».

حسن صن زاده آملی

قلم، ۳۲، زمی القصد، ۱۴۲۰ هجری قمری

۱۳۷۸/۱۲/۱۱ هجری شمسی

^۱ نگفته ها را به گفته ها قیاس کن.

^۲ سوره یس (۳۶)، آیه (۱ و ۲).

^۳ کار نیکی که موجب ستایش شود.

^۴ جای ظهور

^۵ پرورش یافته.

^۶ سوره ابراهیم (۱۴)، آیه (۲۴ و ۲۵).

^۷ سوره کهف (۱۸)، آیه (۲۰).

مقدمه نویسنده

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

نماز معراج است و «جَنَّةُ الْفَاءِ»

غم مفت بست بود، پرورم کرد
فراقت مرغ بی بال و پرم کرد
مهوری کن مهوری
مهوری طرفه^۲ خاک کی بر سرم کرد^۱

نکیزه ناز

انگیزه نماز ارتباط سزای بین عاشق و معشوق حقیقی است یعنی بین بنده و پروردگارش که خمیره بنده را با عشق حق سرشته اند به دو دلیل:

اول: کریمه: «فَظَرَّتَ اللَّهُ الَّتِي فَظَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» یعنی: "توحید، فطرت الهی است که انسان را بر آن سرشته اند، که روحش از روح منفوخ حضرت حق است"، و صعودش از راه علم و عمل به اصل

^۱ اقتباس از: فیض کاشانی محمد بن مرتضی بن شاه محمود ملقب به ملامحسن، چاپ ۱۳۵۸، علم الیقین، انتشارات بیدار ج (۱)، ص (۵۰۷) تا (۵۱۴).

^۲ پشویی به من. واجی یعنی گفتی. یعنی الهی توبه من گفتی صبر کن.

^۳ طرفه یعنی عجیب. الهی صبر کردم ولی دیدم نشد و نیامدی، صبری که بر این انتظار کردم عجیب خاکی بر سرم کرد.

^۴ عریان همدانی بابا طاهر، دیوان اشعار، عریان دویینی ها، قسمت اول، برگرفته از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی ذریع ۳، مهر ارقام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۵ سوره روم (۳۰)، آیه (۳۰).

خویش: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» یعنی "روح انسان با دو بال به سوی پروردگار خود در پرواز است، یکی بال علم که تقویت روح است و دوّم بال عمل صالح که بالا برنده اوست".
وؤم: حرکت حُبّی اشاره شده در حدیث قدسی: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِيَكُنْ أَعْرِفُ» به حکم:

کو روی تاب ستوری ندارد . بسندی در روزن سر بر آرد^۱

حضرت حق الله فرماید: «پیش از ایجاد عالم من گنجی پنهان بودم، پژوهنده و شناسایی نبود و دوست داشتم خلقی شناسا بما فرینم با استعداد علم و عمل»، تا به خلعت معرفت الهی مُزین شوند و به تاج «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» مفتخر شوند که: "ما از میان همه آفریده ها فرزندان آدم را گرامی داشتیم که، معرفت و محبت خود را به ایشان عنایت کردیم".

تا این حرکت حُبّی رخ داد و انسان کامل را عارف «بالله» و «خليفة الله» را از این جمع آفریدیم و هدف از خلقت مشخص شد که: «معرفة الله است» و «حُب الله» و عشق. انسان هم به دنبال اصل خود می رود که: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۲ است و در این پژوهش، حضرت حق الله را می یابد که اصل اوست و «فَظَرَّتْ الله» و ویژه همان انسان دارای «معرفة الله» و «حُب الله» و «ولاية الله» است. و همیشه حضرت حق گنج مخفی است (در تمام زمان ها) و کاشفان، عارفان بالله و عاشقان واله اند.

راست در الله

حضرت حق الله فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

^۱ سوره فاطر (۳۵)، آیه (۱۰).

^۲ مفید قمی قاضی سعید محمد بن محمد، ۱۳۷۳، شرح توحید صدوق، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج (۱)، ص (۴۰).

^۳ جامی نورالدین عبدالرحمن بن احمد، هفت اوزنگ، یوسف وزلیخا، در بیان آنکه هریک از جمال و عشق مرغی است، برگرفته از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی دُرّج ۳، مهر ارقام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۴ سوره اسراء (۱۷)، آیه (۷۰).

^۵ سوره حجر (۱۵)، آیه (۲۹).

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا^۱ "ما امانت خود را بر آسمان ها، زمین و کوه ها عرضه کردیم (و به علت عدم استعداد عشق و عرفان) از ترسِ قصورِ اطاعت، آن را نپذیرفتند. تنها انسان است که استعداد امانتداریش دادیم تا امانتدار الله باشد، با این که ظلم و جهل در وجودش بود".

ولی همین انسان «ظُلُومًا جَهُولًا» با کسب علم و اطاعت، این دو (ظلم و جهل) را محو کرد و مترنم به این ترانه شد:

آسمان را امانت توان کسب / قرص کار بسام من دیوانه زدند^۲

و چون این جنون رخ داد و از ماسوی بیگانه شد، محرم بارگاه ربوبی گشت و امانتداری اش بخشیدیم. همه موجرات، مخلوق یا مظهر حق بودند، ولی با نداشتن عشق و عرفان لیاقت امانتداری نیافتند. تنها انسان که روح منفوخ حق بود، شناسای خویش و اصل خود که نفخه روح حق بود شد و امانت دار الهی گشت. چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ^۳» «هر کس گهر خویش را شناخت، پروردگارش را شناخت».

«النَّشْأَةُ» این امانت عشق و عرفان و جنون بود و انسان با لیاقت عنائی حق، این کمالات انسانی را از محبوب کل دریافت و به معشوق خود (پروردگار) «بَلَّغَ» گفت و کریمه، این معاشقه را تفسیر می کند: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَى سَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ^۴» «ای محمد! پروردگار تو از پشت فرزندان آدم، ذریه و نسل هایشان را گرفت و آنها را گواه خود قرار داد که آیا من پروردگار شما نیستم؟ و آنها گفتند: بلی ما شهادت می دهیم که تو پروردگار ما هستی. تا شما ای نسل های بعدی در روز قیامت نگوئید ما از اقرار غافل بودیم» (یعنی فطرت شما گواه این پیمان است).

^۱ سوره احزاب (۳۳)، آیه (۷۲).

^۲ حافظ شیرازی شمس الدین محمد، به اهتمام بختیاری پژمان، ۱۳۴۵، چاپ پنجم، لسان الغیب حافظ شیرازی، انتشارات ابن سینا، ص (۱۷۷)، سطر (۱ و ۲).

^۳ مفید فمی قاضی سعید محمد بن محمد، ۱۳۷۳، شرح توحید صدوق، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج (۱)، ص (۴۶۲).

^۴ اعراف (۷)، آیه (۱۷۲).

جایگاه عشق حق

قال رسول الله ﷺ في خير عن ربه سبحانه: «لَا يَسْعَفِي أَزْوَاجِي وَلَا سَمَائِي بَلْ يَسْعَفِي قَلْبِي عَبْدِي الْمُؤْمِنُ»^۱ یعنی: رسول الله ﷺ در حدیث قدسی از قول الله می فرماید: «زمین و آسمانم را گنجایش و لیاقت عشق و محبت من نبود، تنها قلب بنده خاص مؤمنم (تاکید روی مؤمن) را این گنجایش بود». چرا؟ یکی، چون آن حاکم من است. قال الصادق علیه السلام: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِن حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»^۲ یعنی «قلب، حرم الله است، پس غیر الله را در آن راه مده»: «پرورش من میسر نمی شود و سر نمی آید».

دیگری، آیه کریمه «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»^۳ یعنی: «الله بندگان را دوست می دارد» (چون روح منفوخ او و سر در خط فرمان اویند) و بندگان، پروردگارش را دوست می دارند (که اصل خویش را دوست می دارند)؛ «این جلالت حجت نخست، از حق ظهور یافت، که او اول انسان را دوست داشت و آفرید، چرا که آدمی مظهر «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۴ شد و حضرت حق، همه نظامات وجود مادی و مجرد حتی فرشتگان مقرب را به خدمتش گماشت: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ»^۵ "فرشتگان را گفتیم به آدم سجده کنید". و چون زیباترین مظهر حسن خود را آفریده بود، "به خود تبریک گفت": «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۶ چون که احسن المخلوقین را آفریده بود:

^۱ مفید قمی قاضی سعید محمد بن محمد، ۱۳۷۳، شرح توحید صدوق، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج (۱)، ص (۴۱۴).

- علامه مجلسی مولی محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء بیروت، سال انتشار ۱۴۰۴، ج (۵۵)، ص (۳۹)، برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

^۲ علامه مجلسی مولی محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء بیروت، سال انتشار ۱۴۰۴، ج (۶۷)، ص (۲۵)، شماره (۲۷)، برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

- شعیری تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر، ۱۴۰۵ قمری، چاپ اول، جامع الاخبار، انتشارات رضی، ص (۱۸۵)، برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

^۳ عربان همدانی بابا طاهر، دیوان اشعار، دوبیتی ها، قسمت دوم، از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی درج ۳، مهر ارقام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۴ سوره مائده (۵)، آیه (۵۴).

^۵ سوره حجر (۱۵)، آیه (۲۹).

^۶ سوره البقره (۲)، آیه (۳۴).

^۷ سوره مؤمنون (۲۳)، آیه (۱۴).

به خوش بی محسبونی مرد و سربانی که یک سر محسبونی در دسربانی
اگر مجنون دل شوریده ای داشت دل لیلی از او شوریده تر بی^۱

این جا مشخص شد که امانت حضرت حق الله همان «معرفه الله» و «حب الله» و «ولایة الله» است، که به انسان عنایت شد و در نتیجه پروردگارش را شناخت و دوستش داشت و عاشقانه مطیع فرمان بندگی اش گردید.

سند کاظم جان و دل بر کف چشم بر حکم و کوشش بر فرمان^۲

عشق حق

حافظ قرآن این حقیقت را خوش ترسیم کرده که:

در ازل پر تو هست ز نجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به هر عالم زد
جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت من آتش شد از این غیرت و بر آدم زد^۳

چه کسی است که در مقابل تجلیات حق، تاب مقاومت داشته باشد و کوه انانیتش ریز ریز نگردد. این جاست که این روح منفوخ و سرشته محبت را گریزی از عشق حق نیست، که او اصل خود را دوست داشته و اگر مجنون وارد در دیوار آفرینش را می بوسد چون خانه، خانه توست و بنده، بنده توست و جلوه، جلوه تو و جذبه، جذبه تو.

مرا به کار بهمان مرکز انعام نبود رخ تو در نظرم زین غرض آراست^۴

و اگر حبیب تو محمد ﷺ فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ ظَهْرًا وَ أَنَا رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي أَرَادَ

^۱ عریان همدانی بابا طاهر، دیوان اشعار، دویستی ها، قسمت دوم، از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی دُرُج ۳، مهرآرام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۲ هانف اصفهانی سید احمد، دیوان اشعار، ترجیع بند، برگرفته از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی دُرُج ۳، مهرآرام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۳ حافظ شیرازی شمس الدین محمد، به اهتمام انجوی شیرازی سید ابوالقاسم، ۱۳۶۳، چاپ پنجم، دیوان خواجه حافظ شیرازی، سازمان انتشارات جاویدان، ص (۶۹)، سطر (۹).

^۴ حافظ شیرازی شمس الدین محمد، به اهتمام بختیاری پیمان، ۱۳۴۵، چاپ پنجم، لسان الغیب حافظ شیرازی، انتشارات ابن سینا، ص (۲۴)، سطر (۹ و ۱۰).

الصَّلَاةُ فَلَمْ يَجِدْ مَاءً وَوَجَدَ الْأَرْضَ فَقَدْ جُعِلَتْ لَهُ مَسْجِدًا وَظَهْرًا^۱ یعنی: «الله به شکرانه خلعت بندگی که به من ارزانی داشت، همه زمین را سجده‌گاه من و اتمم قرارداد تا همیشه و همه جا پیشانی بندگی به خاک بگذارم و از خود پرستی و تفرعن پاک باشم و سراز سجده بندگی بزرگیرم» و چه کسی بنده تراز من است: «أَيُّ عَبْدٍ عَبْدُ مِنِّي؟» تا بدانند زمین جایگاه فساد و خونریزی جباران نیست نیست بلکه سجده‌گاه بنده حضرت حق و نزول رحمت بر بندگان است. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجاست؟ «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

نماز عتیقه

نماز عتیقه حضرت حق است و ره آور سفر معراجی حضرت محمد ﷺ و نمازگزار، سالک وادی عشق است و در هر قدمی سلوکی و وصالی نه آنچه قشریان گمان برند که نماز، تکلیف است و تحمّل سختی. آری برای ناآشنایان و دورران، تکلیف است تا به وظیفه عمل کنند و کم‌کم تحت جذبه هایش قرار گیرند و جذبه‌ها، انس بیاورد و انس به عشق مبدل گردد، تا جایی که نماز تنها روشنی چشم و شویدای قلب محمد ﷺ و محمدیان باشد که: «وَقُرْةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» و عارف به این سر عشق گوید:

مرا غرض ز نماز آن بود که به نصانی
حدیث در فراق تو با تو بگذارم^۲

^۱ ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، ۱۴۰۳ قمری، چاپ دوم، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج (۱)، باب چهارم، ص (۲۰۱)، حدیث شماره (۱۴)، برگرفته از نرم افزار گنجینه روایات نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

^۲ طبرسی رضی الدین حسن بن فضل، چاپ چهارم، مکالم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، ص (۱۶)، برگرفته از نرم افزار گنجینه روایات نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

^۳ قوامی شیرازی صدرالدین محمد بن ابراهیم معروف به صدرالمعالمین و ملاصدرا، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم صدرا، انتشارات بیدار، ج (۷)، ص (۲۴۰)، برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر نور، نورالانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.

^۴ جلال الدین بلخی مولانا محمد معروف به مولوی ملقب به خداوندگار و متخلص به خاموش، ایزد گشسب شیخ اسدالله متخلص به شمس، به اهتمام ایزد گشسب عبدالباقی، جذبات الهیته (منتخبات کلیات شمس الدین تبریزی) با مقدمه، حواشی، تصحیح غزلیات نگارش و گرد آورده، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، چاپ دوم، ص (۲۵۹)، سطر (۳).

آیا این نمازگزار را به دنیا توجّهی هست؟ و یا شیطان را به ایشان راهی است؟ آیا برای چنین عاشقانی نماز تکلیف است و سنگینی؟ در جواب باید گفت با توجّه به آیه ذیل حاشا:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»^۱ «بدانید رسول الله ﷺ در میان شماست که اگر در بسیاری از امور رأی شما را پیروی کند، خود به رنج و زحمت می افتد و لیکن حضرت حق مقام ایمان را محبوب شما گردانید و در دل هاتان نیکو بیاراست و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفور در نظر تان ساخت. اینان به حقیقت اهل صواب و هدایت اند». بهشت این نمازگزاران را، دوام ذکر معشوق و دوام حضور و دوام شهود حضرت حق و دست از غیر حق شستن است که:

دو عالم را به یک بار اول تنگ
برون کردیم تا جای تو باشد^۲

جذبِ حق

به سه شوق سه کوی تو دیزم
به دل محصوره روی تو دیزم
ست من کبه من قبله من
تویی مرا سوگند سوی تو دیزم^۳

قصهٔ سنقر که اثاث حمام خواجه اش را سحرگاه حمل کرد و به دنبال وی به طرف حمام، در راه صدای اذان صبح به گوش رسید و بی تابش کرد به امیرش التماس کرد که اجازه دهد دوگانه ای (نماز) به درگاه یگانه بگذارد. با اجازه به درون رفته و امیر بیرون بر سکوی مسجد منتظر نشست. کم کم نمازگزاران و امام جماعت پس از نماز در رفتند و سنقر تا چاشت در نماز و درام ذکر و انس و جذبه، و از ماسوی بی خبر:

^۱ سوره حجرات (۴۹)، آیه (۷).

^۲ سعدی شیرازی مشرف الدین مصلح، دیوان اشعار سعدی، غزلیات، غزل شماره (۲۰۵)، اگر سروری به بالای تو باشد، سطر (۷)، برگرفته از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی دُرّج ۳، مهر ارقام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

^۳ عریان همدانی بابا طاهر، دیوان اشعار، دوبیتی ها، قسمت اول، برگرفته از بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر فارسی دُرّج ۳، مهر ارقام رایانه، تهران ۱۳۸۹.

امیرش گفت ای سترجرا نیایی برون
 گفت نوبت مبر کرد و بانگ کرد
 پانخس این بود می نگذارم
 گفت آخر سجد اندر کس نماند
 گفت آنکه بسته است از برون
 آن که نگذارد ترا کافی درون
 آنکه نگذارد کزین سو پانخی
 ماهیان را بکس نگذارد برون
 اصل ماهی ز آب و حیوان از گل است
 قفل زفت است و کثایند حنرا
 ذره ذره کر شود مفتاحها
 چون فراموش خودی یادت کنند
 کر تو خواهی حزی و دل زندگی
 از خودی بگذر که تا یابی حنرا

گفت می نگذارم ای ذوفنون^۱
 تا که عاجز گشت از تیباش^۲ مرد
 تا برون آیم مسوز ای محترم
 کیست وای دارد آنجا کت نشاند
 بسته است او هم مرا از اندرون
 می نبگذارد مرا کایم برون
 او بدینوبست پای این رمی
 خاکبان را بحر نگذارد درون
 حیل و تدبیر این جا باطل است
 دست در تسلیم زن و اندر رضا
 این کتایش نیست جز از کبریا
 بسته گشتی آنکه آزادت کند
 بسنگی کن بسنگی کن زندگی
 منافی حق که تا یابی بقا^۳

^۱ ذوفنون یعنی کسی که دارای چند هنر است، دارای فن ها.

^۲ تیباش یعنی عشو، رد سخن، وقت گذرانی. سطر دهم: زفت یعنی درشت و مستبر.

^۳ جلال الدین بلخی مولانا محمد معروف به مولوی ملقب به خداوندگار و متخلص به خاموش، تصحیح رضائی محمد، دارنده کلاله خاور، مثنوی معنوی، چاپخانه خاور تهران، ص (۱۸۶)، سطر (۲۷ تا ۳۵).

پیکره نماز و تکامل تربیتی آن

در پیکره ظاهری نماز، مصالح فراوانی وجود دارد، لذا حضرت حق الله نماز را بر همه امت ها واجب فرمود. تکامل معنوی انسان در خدمت انبیا و در گرو زمان است: از آدم علیه السلام تا خاتم علیه السلام، درست مثل مدرسه، و کلاس ها طبقه بندی است، از کلاس اول به دوم و سوم و بالاتر، غیر از این امکان پذیر نیست. از کلاس های ابتدایی تا دانشگاه و فوق تخصص ها و مهارت ها. انسان استعداد فهم و کمال را همواره داشته است، تا در طول زمان وظایف کلاس های انبیا علیهم السلام به کمال انسانی که خودشناسی تا خداشناسی و بندگی است برسد. معلمان این کلاس ها و شاگردان و علموی که می آموزند، و درجه بندی اساتید در کمال انسانی، همه با هم متناسب بوده تا از آدم علیه السلام شروع و به خاتم علیه السلام ختم شود. اینجا به شخصیت حضرت خاتم و امت و دین خاتم علیه السلام پی می بردیم که: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»؛ "برگزین معلم بشر و آخرین معلم انسان ها، حضرت خاتم علیه السلام است و شاگردانش با استعدادترین شاگردان" و کتاب درسی اش کامل ترین کتاب الهی و محمدین، لشرف امت ها.

ای امت خاتم علیه السلام با ندای «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» مستعدین را به خوبی ها که انسان را به حضرت حق می رساند، دعوت کنید و گمراهان را با جذب های ایمان از گمراهی نجات بخشید و ایشان را به همراه خوبان در این سلوک الی الله تا وصال محبوب قلبی شان، همراهی کنید. که شما بهترین امت تاریخ انسان ها هستید.

اعمال شاق امت های گذشته و شریعت سهل حضرت خاتم علیه السلام

چون امت های گذشته را در مقایسه با امت خاتم علیه السلام، توان جسمی بیشتر و معنویتی کمتر بود، بدین جهت مأمور به تکالیف و عباداتی بیشتر و سخت تر بودند تا جسمانیتهشان معتدل و روحانیتهشان قوی شود. اما امت خاتم علیه السلام استعداد کمال بیشتری یافته بودند، لذا حضرت حق الله

^۱ سوره آل عمران (۳)، آیه (۱۱۰).

^۲ سوره آل عمران (۳)، آیه (۱۰۳).

طبق استعدادشان احکامی آسان تر و عمیق تر به ایشان عنایت فرمود که گفتند: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»^۱ «پروردگارا! سپاس تو را که ما را از امت حضرت خاتم النبیین ﷺ قرار دادی، که اکمل انبیاست، و استعداد فهم کامل ترین معنویات را به ما عنایت فرمودی». الهی! بار سنگین ریاضت های عبادی که بر دوش امت های گذشته نهادی، بر دوش ما مگذار که ما را آن طاقت جسمانی نیست و به جایش معرفتی کامل و اخلاصی ناب و توجّهی عمیق به باطن، عنایت فرما.

قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل کردان به دریا های غیش^۲

«قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۳ «پیامبر بگو: پروردگارا! دانشم را افزون فرما».

و حضرت حق اجابت فرمود، چنانکه رسول الله ﷺ فرمودند: «بُعِثْتُ بِالشَّرِيعَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»^۴ «من به شریعتی آسان و پرفیض و بر محتوا مبعوث گشتم».

مهدی سمندی

^۱ سوره بقره (۲)، آیه (۲۸۶).

^۲ جلال الدین بلخی مولانا محمّد معروف به مولوی ملقب به خداوندگار و متخلص به خاموش، تصحیح رضائی محمد، دوازده کلاله خاور، مثنوی معنوی، چاپخانه خاورنهران، دفتر پنجم، ص (۳۹)، سطر (۹).

^۳ سوره طه (۲۰)، آیه (۱۱۴).

^۴ قوامی شیرازی صدرالدین محمد بن ابراهیم معروف به صدر المتالهین و ملا صدرا، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم صدر، انتشارات بیدار ج (۷)، ص (۲۳۸). برگرفته از نرم افزار جامع التفاسیر نور، نورالانوار ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۸۸.